

Geopolitical map of the Caucasus Region (2008)



قفقاز؛ کمر بند ژئوپلیتیک ایران

تحلیل راهبردی قفقاز از منظر اقتصاد و تجارت



مقدمه

منطقه قفقاز در شمال رود ارس و مناطق جنوبی روسیه است و شامل کشورهای استقلال یافته یعنی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌شود. قفقاز یک منطقه گذرگاهی بین ایران، روسیه، دریای سیاه، ترکیه و اروپا است که به دلایل متعدد دارای اهمیت ژئوپلیتیک، استراتژیک و ژئواکونومیک برای ایران است. اما اهمیت این منطقه بعد از جنگ دوم قره‌باغ که با تصرف بخش‌هایی از منطقه توسط جمهوری آذربایجان همراه بود برای ایران اهمیت بیشتری یافته و منجر به تغییراتی در توازن قدرت شده است. شاید یکی از موضوعات مهم در این میان کریدور زنگزور است که از سوی آذربایجان مطرح می‌شود که بخش اصلی آذربایجان را از طریق استان سیونیک ارمنستان به جمهوری نخجوان متصل می‌کند. ایران بارها اعلام کرده است که مخالف هرگونه تغییر جغرافیایی منطقه بوده و اجازه آن را نخواهد داد، موضعی که بر خلاف سیاست‌های باکو و آنکارا است. البته کریدور زنگزور، تنها عامل تنش در منطقه نیست، بلکه وضعیت مبهم قره‌باغ و حدود مرزهای دو کشور آذربایجان و ارمنستان نیز مانند آتش زیر خاکستر است که با هر بهانه‌ای می‌تواند شعله‌های جنگ دیگر در منطقه را بیافروزد. از همین روی، لازم است سیاست‌گذاران ایران تمام تحرکات در منطقه را به جدیت دنبال کرده تا مبادا در مقابل عمل انجام شده قرار بگیرند.

روندهای تاریخی قفقاز

با توجه به مبنای تحلیل‌های ژئوپلیتیک؛ بدون در نظر گرفتن تاریخ و جغرافیای قفقاز نمی‌توان مسائل آن را بررسی و آینده را پیش‌بینی کرد. لذا باید به برخی روندهای تاریخی این منطقه توجه نمود، از جمله اهم آن عبارت است از:

- منطقه قفقاز برای پنج قرن محل کشمکش ایران، عثمانی و روسیه بوده و بارها بین آنها دست به دست شده، از همین روی همیشه ثبات در آن کالایی نادر بوده است.
- مهمترین مقطع تاریخی قفقاز پس از فروپاشی تزار و بین ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰ بوده است. در جنگ جهانی دوم ایران و روسیه بر سر قفقاز جنگ داشتند و روس‌ها خواستار الحاق آذربایجان ایران به خاک خود بودند. نکته مهم در این بین استقلال آذربایجان (پیش از شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی این کشور استقلال یافت) و البته تمایلات باقراف در تحولات ژئوپلیتیکی این کشور بوده است که و پس از استقلال جمهوری دموکراتیک آذربایجان در سال ۱۹۱۸ تمایلات «پان‌آذری» افزایش یافت.
- وجود ترس همیشگی در منطقه از بلعیده شدن توسط قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، ایران و ترکیه در این منطقه وجود داشته است از همین روی کشورهای منطقه با کشاندن کشورهای فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده سعی در ایجاد موازنه داشته و دارند.

روندهای راهبردی گذشته ایران در قفقاز

- در حوزه قفقاز توجه به هر سه دسته تحلیل‌های ژئوکالچرال، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک از منظر تاریخی اهمیت دارد:
- نخستین برخورد ایران با روس‌ها در قفقاز به زمان شاه عباس دوم برمی‌گردد. پس از آن نیز سلاطین ایران همیشه به دنبال دستیابی به این منطقه و رسیدن به دریای سیاه بوده‌اند، به طوری که بسیاری بر این فرض هستند که قرارداد ترکمنچای و گلستان نتیجه کشورگشایی آقا محمد خان بوده است.
 - باید توجه داشت که واگذاری آرات کوچک از سرزمین‌های ایران (با توصیه انگلستان در زمان رضاشاه) به ترکیه تبعات و نتایج بسیار زیان باری برای ایران و امروز منطقه در بر داشته است.
 - ایران همیشه از نظر نفوذ فرهنگی و زبانی و سیاسی و اقتصادی نقش پررنگی در منطقه داشته است. به دلایل تاریخی عدیده در میان قدرت‌های منطقه، ایران از منظر سرزمینی و فرهنگی محکم‌ترین گره را با قفقاز داشته و دارد.
 - در مورد نفوذ اقتصادی و ورود کالاهای ایرانی به قفقاز رویکرد مناسبی وجود نداشت، به طوری که تنها ۵ درصد بازار منطقه در اختیار کالاهای ایرانی است. بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۱، مجموع تجارت غیرنفتی ایران با سه کشور قفقاز تقریباً یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار بود، در حالی که میزان تجارت تنها باکو و آنکارا در این سال ۶ میلیارد دلار است.

روندهای راهبردی جاری در قفقاز

- در ادبیات ژئوپلیتیک بین‌الملل قفقاز به عنوان کمر بند شکسته ژئوپلیتیک و گاهی نیز به عنوان جایزه استراتژیک نیز معروف است.
- در حال حاضر ترکیه به دنبال ایجاد کریدور زنگزور برای رسیدن به دریای خزر و آسیای میانه است و اتصال به کریدور میانی برای اتصال به بازار شرق آسیاست. برنده اول جنگ دوم قره‌باغ آذربایجان بوده است که با ضعف کنش‌گری ایران، باعث تغییر موازنه منطقه به نفع آذربایجان گردیده است. به گمان برخی صاحب‌نظران ترکیه برنده بعدی جنگ دوم قره‌باغ بوده است، ولی این در زمانی روی می‌دهد که ترکیه موفق به ایجاد کریدور زنگزور و رسیدن به خزر شود. از همین روی، ایران از زمان جنگ اول قره‌باغ به دنبال جلوگیری از دسترسی ترکیه به خزر به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود بوده است.
 - وجود ظرفیت‌های ایران در قفقاز با ضعف حضور محوری ایران؛ رژیم صهیونیستی با استفاده از این موقعیت و سطح روابط خود را با آذربایجان را افزایش داد. تجربه نشان داده، هر زمان روابط تهران- باکو گرم بوده، بر رابطه باکو و تل‌آویو نیز تاثیر داشته است.
 - اهمیت قفقاز پس از جنگ اوکراین به دلیل فعال شدن کریدور میانی و تحریم انرژی روسیه افزایش یافته است. چین پیشتر برای انتقال کالا به اروپا از کریدور شمالی و راه‌آهن روسیه و بلاروس استفاده می‌کرد که با آغاز جنگ اوکراین و کاهش ضریب امنیتی آن، انتقال کالاها به کریدور میانی افزایش یافت که شامل مسیر چین-قزاقستان-آذربایجان-گرجستان-ترکیه-اروپاست. از همین روی، اهمیت قفقاز و بویژه بنادر باکو و پوتی برای اروپا دو چندان شده است.
 - کشورهای منطقه قفقاز بر بازیگران جهانی تاثیرگذاری بالا و توانایی انجام بازی‌های بزرگ را دارند^۱، همچنین این منطقه می‌تواند به صورت بالقوه به عنوان تنگه هرمز دوم مطرح است که نزدیک به ۴۲ درصد نفت جهان وابسته به آن است و بویژه

^۱ اشاره به ظرفیت‌های لابی‌گری ارامنه، آذری‌ها و گرجستانی‌ها در اروپا و آمریکا

بعد از تحریم روسیه از منابع جایگزین تامین انرژی محسوب می‌شود و در واقع بخشی از پروژه امنیت اروپاست. با نزدیک شدن به زمستان، فعالیت‌های اروپا برای جایگزینی منابع خزر به جای منابع روسیه تشدید شده است، به طوری که ماه گذشته اتحادیه اروپا و آذربایجان توافقنامه دو برابر شدن صادرات گاز باکو به این قاره را امضا کردند. در حال حاضر باکو سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا صادر می‌کند.

- اهمیت قفقاز به دلیل شکسته شدن انحصار روسیه در منطقه افزایش یافته است. پس از جنگ دوم قره‌باغ و مناقشه اوکراین که تمرکز بیشتر مسکو بر روی آن است، حضور نیروهای دیگر مانند ترکیه در قفقاز افزایش یافته است. همچنین تمایل ناتو به شرق و گرجستان و رسیدن به خزر اهمیت آن را افزایش داده است.
- همچنین قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و چین نگاه ویژه‌ای به قفقاز دارند و صحنه کشمکش‌های پنهان و گسترش نفوذ این دو بوده است. مثلاً پکن در حال ساخت یکی از بزرگترین سفارتخانه‌های خود در ارمنستان است.
- اهمیت قفقاز در عرصه بین‌الملل به پنج دلیل در حال افزایش است:
 ۱. شکستن انحصار روسیه در منطقه
 ۲. جاه‌طلبی ترکیه برای رسیدن به حوزه خزر و آسیای میانه
 ۳. تمرکز چین در قفقاز به دلیل اهمیت کریدورهای منطقه و انرژی
 ۴. اهمیت قفقاز برای آمریکا جهت کنترل چین
 ۵. اهمیت قفقاز برای تامین انرژی و امنیت اروپا در برابر روسیه
 ۶. تغییرات موازنه قدرت به نفع آذربایجان و تاثیرات آن بر ارمنستان و ایران

فرصت‌های ایران در قفقاز

منطقه قفقاز از دیرباز برای همه حکومت‌های ایران هم از منظر ژئوپلیتیک امنیت و هم از منظر ژئواکونومی برای ایران دارای اهمیت راهبردی بوده است:

- دسترسی به دریای سیاه از طریق قفقاز نقش بسیار پر اهمیت در ترانزیت ایران در ثبات و امنیت اقتصادی و تجارت آینده با اروپای شرقی و غربی دارد. کریدورهای شمال-جنوب و خلیج فارس-دریای سیاه می‌توانند در اتصال دو منطقه خزر و خلیج فارس روند تجارت در منطقه را به نفع تجارت ایران دگرگون کنند.
- برای بررسی فرصت ایران در قفقاز لازم است به مولفه‌های نقش، نفوذ، حضور و تعلق پرداخت:
 ۱. نقش ایران در منطقه به دلیل ارتباط تاریخی و فرهنگی با چهار هویت آذربایجان، ارمنستان، نخجوان و قره‌باغ برتر است.
 - ۲- نفوذ ایران در منطقه روی سطح است، هرچند پس از جنگ دوم قره‌باغ نفوذ روسیه و ترکیه در روی سطح افزایش یافته است که البته به معنای از دست رفتن نفوذ نیست.
 - ۳- از بُعد حضور در منطقه؛ ایران بیشتر جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و زبانی را در بر گرفته است.
 - ۴- تعلق قفقاز به ایران در شرایط حداکثری، برای ترکیه حداقل و روسیه متوسط است.

- وجود اقوام قفقاز به قرینه در ایران مانند آذری‌ها، ارامنه، گرجستانی‌ها و تالشی‌ها به مانند یک فرصت برای ایران در گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی در منطقه حتی فرامنطقه است. می‌توان از پتانسیل ایشان بویژه آذری‌ها در حوزه کشاورزی و انرژی و ارامنه در حوزه فناوری و برق استفاده کرد.
- در مناقشه‌های قفقاز معمولاً روسیه طرف ارمنستان و ترکیه حامی آذربایجان بود. در این میان ایران توانست موضع تقریباً متوازنی داشته باشد و به نظر می‌رسد اهمیت بازیگری ایران در منطقه افزایش یافته است، همچنین ایران تنها کشور است که با آذربایجان، ارمنستان و نخجوان پیوستگی جغرافیایی دارد.
- ایران به واسطه دسترسی به آب‌های گرم و آزاد برای کشورهای نظیر هند، روسیه، ژاپن، کره و ... و حتی چین در دارای مزیت‌های زیادی برای دسترسی به قفقاز است.

رویکردهای راهبردی به قفقاز

- سیاست اصلی ایران در قبال کشورهای منطقه قفقاز باید کنش‌گرایانه، موازنه‌ساز و موجد همکاری منطقه‌ای باشد:
- قفقاز باید در اولویت دکترین سیاست‌گذاران کشور قرار گیرد و نباید موضوعات ژورنالیستی مانند همکاری اسرائیل و آذربایجان، تعارضات قومی و ... بر روابط ایران با قفقاز سایه بیافکند.
 - کریدور میانی به ضرر منافع ایران و روسیه است. همانطور که اشاره شد کریدور شمال-جنوب در افزایش نقش ترانزیتی ایران و همگرایی ایران-روسیه و هند نقش مهمی دارد. از همین دولت باید در راستای تکمیل ایران کریدور در بخش راه‌آهن رشت-آستارا و چابهار-سرخس؛ در اولویت اقدامات کشور قرار گیرد.
 - با وجود اختلافات میان گرجستان و روسیه؛ برای توسعه روابط در قفقاز تهران باید تقویت مدل همکاری پیشنهادی ۳+۳ خود را در دستور کار قرار دهد که می‌تواند به عنوان الگوی توسعه منطقه در نظر گرفته شود. می‌تواند در برگرینده منافع همه کشورها باشد و به توسعه منطقه کمک کند.
 - سیاست‌گذاران باید از نگاه قومیتی به منطقه اجتناب کنند و بر اساس اصل منافع ملی، سیاست‌های خود را تنظیم کنند. از همین روی، نگاه توسعه‌گرایی روابط و ایجاد منفعت مشترک (ایجاد وابستگی اقتصادی-تجاری) بهترین مدل برای افزایش در قفقاز است، یعنی دولت توسعه‌گرا از نیروی بازیگران خارج از خود استفاده می‌کند و خودش سکندار است. چنین دولتی توانایی دارد تا پروژه‌های مشترکی را با کارآفرینان بخش خصوصی و سرمایه‌های فراملی تعریف و سپس هدایت و اجرا کند.
 - جلوگیری از تغییر مرزهای منطقه، سیاست راهبردی ایران باشد. چون ایجاد کریدور زنگزور می‌تواند نقش ترانزیتی ایران را کاهش و در واقع اهمیت کریدور شمال-جنوب را دچار امتناع نماید. این کریدور علاوه بر ایران برای روسیه و هند نیز حیاتی است.
 - تقویت ارمنستان از نظر اقتصادی برای ایران ضروری و جلوگیری از محاصره ارمنستان به دلیل بسته بودن مرزهای آن با ترکیه و آذربایجان اهمیت راهبردی دارد. در عین حال، ایران باید روندهای سیاسی در ارمنستان را به صورت جدی زیر نظر داشته باشد و از ثبات سیاسی در آن حمایت کند. تغییرات سیاسی شدید در ارمنستان می‌تواند منجر به بهم ریختن آرایش سیاسی منطقه و تغییر مدل ۳+۳ و حذف ایران شود.
 - نیاز جمهوری آذربایجان به هویت‌سازی، ایجاد تنش‌های مقطعی و افزایش درآمدهای نفتی و تحرک بیشتر برای شکل‌دهی به ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باید در رابطه با این کشور در نظر گرفته شود و نباید تحت‌تاثیر اظهارنظرهای برخی

کارشناسان؛ آذربایجان را به عنوان تهدید تلقی کرد، در عین حال، بی‌نیاز شدن آذربایجان از نظر زیرساخت و تجارت از ایران می‌تواند برای ایران تهدیدزا باشد. لذا افزایش وابستگی آذربایجان به زیرساخت و تجارت با ایران دارای اهمیت فراوان است.

- توجه نخبگان سیاسی و اقتصادی به قفقاز جلب شود. همچنین استفاده از تعاریف ایرانی از قفقاز مثل استفاده از اصطلاحاتی مانند قفقاز جنوبی یا ماورای قفقاز می‌تواند راه‌گشا باشد.
- مواضع رسمی در قبال جمهوری آذربایجان از سوی صدا و سیما تبلیغ شود تا اجازه بهم زدن روابط از سوی افراد نامرتبب داده نشود.
- در رویدادهای اخیر قفقاز، ترکیه سعی کرده است نفوذ و نقش‌آفرینی و کنش‌گری خود را افزایش دهد. چه در روابط دوجانبه، چه به عنوان عضو ناتو و چه به عنوان یکی از اضلاع قفقاز. ایجاد همکاری‌های اقتصادی و منافع مشترک با ترکیه نظیر همکاری و سرمایه‌گذاری اقتصادی ایران در شرق ترکیه ضرورت دارد.
- درگیر کردن و شکل‌دهی به همکاری با چین و هند در منطقه توسط ایران می‌تواند به تقویت موازنه و نقش‌آفرینی ایران کمک نماید، بویژه آن‌که چین به لحاظ کریدوری و انرژی نگاه ویژه منطقه دارد و هند نیز به دنبال اتصال به دریای سیاه از طریق ارمنستان است.
- ایران با استفاده از آذری‌ها و ارامنه ساکن خود پیوند اقتصادی و تجاری خود را در قفقاز و حتی روسیه افزایش دهد. از پتانسیل ایشان بویژه آذری‌ها در حوزه کشاورزی و انرژی و ارامنه در حوزه فناوری و برق استفاده نماید.
- جنگ دوم قره‌باغ نشان داد که ایجاد اجماع بین سیاست‌گذاران کشور در قبال قفقاز با تنظیم سند سیاست‌های راهبردی ایران در حوزه قفقاز بر اساس منافع ملی کشور با مشارکت و اجماع نخبگان ضرورت دارد.
- تاکید بر توسعه تجارت با منطقه و تلاش برای گرفتن امتیازات ویژه برای بخش خصوصی بویژه تعرف ترجیحی مفید است. ارجحیت اقتصاد بر سیاست با طراحی سند تعرفه‌های ترجیحی و فعال کردن دیپلماسی اقتصادی ویژه قفقاز ضرورت تاریخی دارد. اخذ امتیازاتی مانند بیمه صادرات و تعرفه گمرکی برای بخش خصوصی در ورود کالاهای ایرانی به بازار و یا عبور از منطقه نیازمند توجه جدی است.
- شکل‌دهی به سازمان‌های همکاری منطقه‌ای بویژه فعال کردن مجدد سازمان همکاری اکو می‌تواند تسهیل‌کننده همکاری‌های قفقاز باشد.
- نباید اجازه برخی رویکردها به موضع حاکمیتی منتسب شود و مواضع رسمی در قبال جمهوری آذربایجان باید از سوی صداوسیما تبلیغ شود تا اجازه بهم زدن روابط از سوی افراد نامرتبب داده نشود. با در نظر گرفتن شبکه‌های اجتماعی احتمال بر هم خوردن روابط دوجانبه در اثر نشر داده‌های کذب وجود دارد.

اقدامات راهبردی پیشنهادی بخش خصوصی

- تدوین پیش‌نویس سند تعرفه ترجیحی موازنه‌ساز با کشورهای حوزه قفقاز، روسیه و ترکیه بر اساس تحلیل‌های راهبردی بالا برای بخش خصوصی ایران با همکاری ذینفعان درونی و اجزای دولت نظیر سازمان توسعه تجارت و معاونت اقتصادی وزارت خارجه دارای اولویت بسیاری است.
- شکل‌دهی به همکاری مشترک بخش خصوصی-دولت در پروژه‌های اصلی کریدورها نظیر راه‌آهن رشت-آستارا و چابهار-سرخس، راه‌اندازی خط کشتیرانی رو رو در خزر، توسعه و تکمیل پایانه‌های مرزی آستارا، نوردوز، جلفا و توسعه زیرساخت‌های بندری چابهار؛ در حوزه‌های تامین مالی، اجراء بهره‌برداری برای عبور از کندی پیشرفت پروژه‌ها ضروری است.
- فعال کردن نمایندگی معین بخش خصوصی در منطقه در پیشبرد اهداف بخش خصوصی مهم است. هرچند که بیشتر قرار بود خانه اقتصادی ایران در منطقه تشکیل شود، اما به دلایلی این مهم محقق نشد، به نظر می‌رسد احیای این ایده می‌تواند در توسعه مناسبات و بازاریابی کالاهای ایرانی کمک کند.
- بخش خصوصی ایران می‌تواند از موقعیت منطقه در کشت فراسرزمینی و پرورش دام بهره‌بردارد. کشت فراسرزمینی در آذربایجان و گرجستان و نیز پرورش دام در ارمنستان به بخش خصوصی پیشنهاد می‌شود.
- بخش شرقی ترکیه به دلایل مختلف نسبت به غرب آن کمتر توسعه‌یافته‌تر است از همین روی، لازم است از سرمایه بخش خصوصی ایران در شرق ترکیه و ارتباط آن با قفقاز استفاده شود.
- شکل‌دهی به همکاری‌های مشترک بین بخش خصوصی ایران و کشورهای حوزه قفقاز می‌تواند تحکیم‌کننده نقش تاریخی و موازنه‌ساز ایران باشد. مثلاً همکاری بخش حمل‌ونقل ایران با بخش تالش آذربایجان زمینه‌های توسعه دارد.
- برای افزایش مرادوات اقتصادی پیشنهاد می‌شود، همکاری‌های مشترک سه‌جانبه بین اتاق‌های بازرگانی کشورهای قفقاز با سه زیربخش زیر شکل بگیرد:
 - الف. بخش ایران-گرجستان-ارمنستان
 - ب. بخش ایران-آذربایجان-ارمنستان
 - ج. بخش ایران-ترکیه-ارمنستان
- با توجه به این‌که بخش نخجوان پیوستگی جغرافیایی با سرزمین اصلی ندارد، لازم است بخش خصوصی تجارت با نخجوان را افزایش دهد.
- توسعه حوزه گردشگری بویژه در حوزه سلامت یکی از بخش‌هایی است که می‌تواند در افزایش روابط ایران و کشورهای قفقاز نقش‌آفرین باشد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده که اقدامات مناسب می‌تواند نقش مهمی در جذب بویژه آذری‌ها به ایران داشته باشد.
- با سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی در ارمنستان از ظرفیت این کشور در تولید برق می‌توان بهره‌گرفت.